

الگوی مردم‌سالاری اقتصادی، بستر آزادی اقتصادی

تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۷/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۱۰

احمدعلی یوسفی*

چکیده

براساس مبانی بینشی و ارزشی اسلام، می‌توان الگوی آزادی اقتصادی مردم‌سالار را طراحی کرد که تمام نیروهای فعال اقتصادی اعم از صاحب سرمایه و نیروی کار (ماهر، نیمه ماهر و ساده) آزادی واقعی در عرصه اقتصادی داشته باشند و هر سه گروه: صاحب سرمایه، نیروی کار و مصرف‌کننده به هدف‌های خود از فعالیت اقتصادی نایل آیند. در این الگو، آزادی اقتصادی برای تمام فعالان اقتصادی به‌عنوان حق شمرده می‌شود؛ هر چند آنان در برابر بهره‌مندی از این حق با تکالیف و مسئولیت‌هایی روبه‌رو هستند. این الگو از سویی مبتنی بر مبانی بینشی خاصی است و از سوی دیگر در پی هدف‌های معینی است و برای رسیدن به آن هدف‌ها، اصول و راهبرد اقتصادی ویژه‌ای دارد. در نوشتار پیش‌رو به روش توصیفی تحلیلی، الگوی آزادی اقتصادی مردم‌سالار، مبانی، هدف‌ها، اصول و راهبرد آن براساس آموزه‌های اسلامی تبیین و تحلیل می‌شود.

واژگان کلیدی: نظام اقتصادی اسلام، آزادی اقتصادی، سرمایه‌سالاری، مردم‌سالاری اقتصادی.

طبقه‌بندی E58:JEL.

مقدمه

تمام مکتب‌ها و صاحبان اندیشه، خود را طرفدار آزادی معرفی می‌کنند اما مقصود آنها از آزادی به‌طور دقیق مشخص نیست؛ البته ارایه مفهومی روشن از واژه آزادی به‌گونه‌ای که جامع و مانع باشد و در بستر تحول‌های اجتماعی دست‌خوش دگرگونی نشود، امری دشوار به‌نظر می‌رسد. چون واژه آزادی، مفهومی اجتماعی ارزش‌محور است که هر صاحب مکتبی با توجه به مبانی ارزشی و هدف‌های مورد نظر خود آن را تعریف می‌کند. به همین جهت برخی صاحب‌نظران مدعی هستند که معنای آزادی مانند معنای خوش‌بختی، خوبی، طبیعت و واقعیت به قدری کشدار است که راه را برای هرگونه تعبیری باز می‌گذارد (ساندل، ۱۳۷۴، ص ۲۵). برخی مدعی شده‌اند که نویسندگان تاریخ اندیشه برای این واژه بیش از دویست معنای گوناگون ذکر کرده‌اند (همان).

مقصود تحقیق پیش‌رو از آزادی اقتصادی آن است که تمام نیروهای فعال اقتصادی - صاحبان سرمایه، نیروی کار ماهر، نیمه ماهر و ساده - حق تصمیم‌گیری و اظهار نظر در امور مهم اقتصادی را داشته باشند و در عین حال امکان بهره‌مندی از این حق برای آنان فراهم باشد؛ به‌گونه‌ای که اگر خواسته باشند از این حق خود استفاده کنند، هیچ مانعی برای آنان وجود نداشته باشد و در صورتی که نخواسته باشند از حق خود استفاده کنند، از ناحیه هیچ فرد حقیقی یا حقوقی با اجبار روبه‌رو نباشند.

در نوشتار پیش‌رو در صدد یافتن پاسخ به این پرسش هستیم که آیا می‌توان براساس آموزه‌های اقتصادی اسلام یک الگوی آزادی اقتصادی ارایه داد تا تمام فعالان اقتصادی از آزادی در عرصه اقتصادی بهره‌مند شوند؟ آیا می‌توان الگویی از اصل آزادی اقتصادی طراحی کرد تا کارکرد آن در جهت تأمین هدف‌های نیروی کار، مصرف‌کننده و صاحبان سرمایه باشد؟

پیشینه تحقیق

تحقق آزادی اقتصادی مانند آزادی سیاسی همیشه بین مکتب‌های گوناگون و صاحب‌نظران مورد بحث بوده است. نظام سرمایه‌داری مبتنی بر مبانی هستی‌شناختی خود، آزادی اقتصادی را یکی از اصول غیرقابل‌خداشه اعلام کرد. این نظام مبتنی بر مبانی خود، مدل

رقابت اقتصادی را بستر تحقق آزادی اقتصادی معرفی کرد (آربلاستر، ۱۳۷۷، ص ۵۵-۸۰). نظام اقتصادی کمونیسم بر پایه مبانی خود، آزادی در جهت کسب سود و منافع مادی شخصی را سرچشمه تمام مشکل‌های اقتصادی معرفی کرد و به شدت با آزادی اقتصادی نظام سرمایه‌داری مخالفت کرد. این نظام با الغای مالکیت خصوصی، مالکیت و مدیریت تمام فرایند اقتصادی را در اختیار دولت قرار داد (تفضلی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۹-۱۶۵ / ژید و ریست، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۴۰-۱۵۲). طرفداران اقتصاد تعاونی مدعی هستند که جهان به‌رغم تحصیل مردم‌سالاری در عرصه سیاسی، هنوز به چنین حکومتی در عرصه اقتصادی دست نیافته است. در حالی که تحقق مردم‌سالاری اقتصادی بهترین راه برای افزایش کارایی و تقویت نیروی خلاقه در بخش اقتصادی است. فقط اقتصاد تعاونی مبتنی بر اصول دموکراتیک می‌تواند بستر آزادی و دموکراسی اقتصادی را پدید آورد و بسیاری از عواقب نامطلوب نظام سرمایه‌داری را کاهش دهد (مدنی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۶).

نوشته‌هایی که درباره مردم‌سالاری اقتصادی یا تحت عنوان اقتصاد مردم‌سالار انجام شده است، اغلب منظورشان اقتصاد بخش خصوصی در برابر اقتصاد بخش دولتی است. در این‌جا به چند نمونه از این نوشته‌ها اشاره می‌شود:

طوسی (۱۳۷۲) در مقاله «پیوندهای مردم‌سالاری و رشد اقتصادی» تأکید می‌کند که دخالت کمتر دولت در اقتصاد، مرجح است و بیشتر کارشناسان استدلال می‌کنند که باید اجازه داده شود تا تصمیم‌گیری‌های اقتصادی از رده‌های پایین ساختار سیاسی به سوی بالا تراوش کند. وی می‌گوید: «الگویی که بسیاری از صاحب‌نظران باور دارند که می‌تواند با مردم‌سالاری هم‌زیست باشد، الگویی است که در آن اتحادیه‌ای فدرالی پدید آید که در آن تدوین خط‌مشی‌ها، قانون‌ها و مقررات میان حکومت مرکزی و مناطق تقسیم شود».

رشیدی (۱۳۷۷) در کتاب اقتصاد مردم‌سالار: بستر رشد جامعه مدنی براساس این پیش‌فرض که رقابت و آزادی اقتصادی بستر مناسبی برای فعالیت‌های اقتصادی است، به پیدایش و تکامل نظام اقتصاد آزاد، مقدمات و ضروریات آن اشاره می‌کند و علت شکاف پدیدآمده بین انتظارات و عدم تحقق‌نیافتن بسیاری از پیش‌بینی‌های مربوط به مشارکت و دخالت مردم در امور اقتصادی را عدم استقرار اقتصاد آزاد در جامعه می‌داند. وی آزاداندیشی و برقراری دموکراسی در جامعه را به‌عنوان مقدمه‌های لازم برای پدیدآمدن و

استقرار نظام اقتصاد آزاد قلمداد کرده و تصریح دارد که راز پیشرفت تمدن فعلی روحیه آزاداندیشی و برقراری دموکراسی در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بوده است. رشیدی (۱۳۸۱) در مقاله «تأمین اجتماعی در اقتصاد مردم‌سالار» با همان رویکردی که در کتابش داشته است، بیان می‌کند که اقتصاد مردم‌سالار به این معنا نیست که حکومت فعالیت اقتصادی نداشته باشد یا در اقتصاد دخالت نکند بلکه حد دخالت و حوزه دخالت دولت را خود مردم تعیین می‌کنند.

نوشتار پیش‌رو از سه جهت با مطالبی که در پیشینه علمی آمده، متفاوت است:

۱. تبیین الگوی مردم‌سالاری اقتصادی با رویکردی اسلامی.
۲. منظور از الگوی آزادی، الگویی است که تمام فعالان اقتصادی در مدیریت فرایند اقتصادی نقش مؤثری دارند و جایگاه فعالان حقیقی اقتصادی - نیروی کار ماهر، نیمه ماهر و ساده - در برابر سرمایه ترفیع می‌یابد.
۳. در الگوی مردم‌سالاری اقتصادی، هدف‌های تمام فعالان اقتصادی سازگار با هم بوده و آنان به هدف‌های خود دست می‌یابند. به نظر می‌رسد هدف‌هایی که نوشتار پیش‌رو درصدد آن است با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی دست‌یافتنی باشد؛ بنابراین در ادامه، به روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، الگوی آزادی اقتصادی مردم‌سالاری، مبانی اعتقادی، هدف‌ها و راهبرد آن براساس آموزه‌های اسلامی، پی‌گیری می‌شود.

مبانی اعتقادی الگوی آزادی اقتصادی مردم‌سالار

در این بخش، مبانی بینشی این الگو به اختصار بیان می‌شود و بررسی مفصل آن به منابع مربوط ارجاع می‌شود (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۸۷-۱۴۳). از دیدگاه اسلام جهان هستی و انسان، آفریده خداوند متعال ﷻ هستند (انعام: ۶). برای اینکه انسان به سعادت دست یابد، خداوند متعال ﷻ افزون بر هدایت تکوینی (طه: ۵۰)، هدایت تشریحی دارد (جمعه: ۲). از دید آموزه‌های اسلامی، جهان هستی مشتمل بر دو عالم دنیا و آخرت است. انسان دو زندگی یکی در دنیا و دیگری در آخرت دارد و زندگی آخرت در طول حیات دنیایی و در ادامه آن است. حیات انسان در عالم آخرت جاویدان و ازلی است. حیات عالم دنیایی انسان در عالم آخرت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و برای تمام اعمال کوچک و بزرگش پاداش و کیفر تعیین می‌شود (زلزله: ۶-۸). نعمت‌های عالم آخرت بی‌بدیل، گسترده و

پایان‌ناپذیر است و برای مؤمنان هر گونه لذت و به هر مقداری در عالم آخرت فراهم است (غافر: ۴۰ / زخرف: ۷۱-۷۲).

هدف از آفرینش انسان دستیابی به سعادت و کمال است. سعادت انسان عبارت است از برخورداری از بیشترین لذت در حیات دنیایی و آخرتی. انسانی سعادت‌مندتر است که سرجمع لذت‌های دنیایی و آخرتیش بیشتر باشد. خوب از نظر انسان آن است که وی را به هدف زندگی نزدیک کند و بد آن است که وی را از هدفش دور سازد. رفتار عقلایی اقتضا دارد که انسان همیشه در پی لذت بیشتر و پایدارتر باشد (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۸-۲۰۸)؛ همچنین آموزه‌های اسلامی ما را به نظریه - اصالت فرد و جامعه - ارشاد می‌کنند؛ بنابراین از دید آموزه‌های اسلامی، انسان ضمن استقلال در تصمیم‌گیری‌های شخصی، در برابر جامعه نیز مسئولیت‌هایی دارد.

جایگاه انسان در فرایند اقتصادی

آموزه‌های اسلامی برای انسان جایگاه ویژه‌ای قرار داده است که باید براساس آن، انسان در فرایند اقتصادی نقش مهمی داشته باشد:

۱. انسان اشرف تمام مخلوقات عالم است: «ثم انشأناه خلقاً آخر فتبارك الله احسن الخالقين (مؤمنون: ۱۴)؛ یعنی پس از آن (دمیدن روح پاک مجرد) خلقی دیگر انشاء کردیم، آفرین بر خداوند متعال ﷻ بهترین آفرینندگان». خداوند متعال ﷻ این تعبیر را برای آفرینش هیچ موجود دیگری به کار نگرفته است. این آفرین‌گفتن به خود، علت بر عظمت آفرینش و آفریده است.

۲. انسان مسجود فرشتگان است: «اذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم (بقره: ۳۴)؛ یعنی زمانی که به فرشتگان گفتیم که بر آدم سجده کنید».

۳. انسان جانشین خداوند متعال ﷻ در زمین است: «هو الذي جعلكم خلائف الارض (انعام: ۱۶۵)؛ یعنی اوست خدایی که شما انسان‌ها را جانشین خود در زمین قرار داد».

۴. حفظ کرامت انسانی مورد تأکید آموزه‌های قرآنی است: «لقد كرّمنا بني آدم (بنی‌اسرائیل: ۷۰)؛ یعنی به حقیقت فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم».

۵. تمام نعمت‌های الهی برای انسان آفریده شده است: «هو الذی خلق لکم ما فی الارض جمیعاً» (بقره: ۲۹)؛ یعنی وی خدایی است که همه آنچه را (از نعمت‌ها) در زمین وجود دارد، برای شما (انسان‌ها) آفرید».

۶. خداوند متعال ﷻ در آیه دیگری بهره‌مندی همه مردم از نعمت‌های الهی را بر خود واجب کرده است: «ما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها» (هود: ۶)؛ یعنی هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر آنکه روزی وی بر خداوند متعال ﷻ واجب است». با توجه به مبانی اسلامی درباره جایگاه انسان در عالم آفرینش می‌توان مطالب ذیل را نتیجه گرفت:

۱. در هیچ آیه و روایتی بیان نشده است که این جایگاه به برخی انسان‌ها اختصاص دارد و دیگران از آن بی‌بهره هستند.

۲. هیچ تخصیص و استثنایی وجود ندارد که آن جایگاه رفیع برای انسان در عرصه اقتصادی نیست و فقط در عرصه به‌طور مثال اخلاقی و عرفانی است.

۳. هیچ تخصیص و استثنایی وجود ندارد که دلالت کند برخی از انسان‌ها حق بهره‌مندی از نعمت‌های الهی را دارند و دیگران چنین حقی ندارند.

این نوع نگاه به انسان اقتضا دارد تا نظام اقتصادی اسلام به‌گونه‌ای طراحی شود تا جایگاه همه انسان‌های فعال اقتصادی در فرایند اقتصادی ترفیع پیدا کند. در حقیقت، مردم‌سالاری اقتصادی دینی باید در عرصه اقتصادی به جای سرمایه‌سالاری اقتصادی حاکمیت پیدا کند. به این وسیله زمینه اقتصادی باید به‌گونه‌ای فراهم شود تا سرمایه در خدمت همه انسان‌های فعال اقتصادی قرار گیرد. متناسب با این نوع نگاه باید زمینه فعالیت اقتصادی به‌گونه‌ای فراهم شود تا حدالمقدور همه فعالان اقتصادی، مالک منابع و محصول تولیدی باشند و در مدیریت فرایند اقتصادی نقش مؤثری ایفا کنند. نیز همه انسان‌هایی که خواهان فعالیت اقتصادی در چارچوب مالکیت خصوصی فردی هستند، آزادی اقتصادی داشته باشند. در این نگاه، سرمایه در فرایند اقتصادی عقیم شمرده نمی‌شود بلکه در چارچوب ضوابط فقهی و حقوقی اسلامی باید به میزان نقش واقعی خود سهم داشته باشد و در خدمت همه انسان‌ها و نیروهای فعال اقتصادی قرار گیرد.

هدف‌های الگوی مردم‌سالاری اقتصادی

هدف مستقیم آزادی اقتصادی مردم‌سالار آن است که همه انسان‌های فعال اقتصادی به معنای واقعی آزادی اقتصادی داشته باشند، به گونه‌ای که اولاً در انتخاب شغل و در نوع، میزان و کیفیت کالای تولیدی حق نظر و رأی داشته باشند. در مدیریت فرایند اقتصادی سهم تصمیم‌گیری داشته باشند؛ ثانیاً، شرایط بهره‌مندی از این حق برای آنان فراهم باشد. هدف‌های غیرمستقیم این الگو، هدف‌های نظام اقتصادی اسلام است. هدف‌های نظام اقتصادی به سه رتبه طولی تقسیم می‌شود. تأمین رفاه عمومی، هدف عالی نظام اقتصادی اسلام است. این هدف از راه تحقق هدف‌های میانی و عملیاتی نظام اقتصادی اسلام پی‌گیری می‌شود (رک به: یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۰-۳۳۹). در ادامه، شرایط تحقق این الگوی و نیز راهبرد آن بررسی می‌شود.

۵۹

شرایط تحقق الگوی آزادی اقتصادی مردم‌سالار

شرایط تحقق الگوی آزادی اقتصادی مردم‌سالار و نیز راهبردهای آن براساس مبانی بیان‌شده است. ابتدا نتیجه‌های حاصل از مبانی، اشاره می‌شود؛ سپس راهبردهای متناسب با آنها مشخص شده و کامل‌ترین راهبرد با توجه به مبانی آن، تحلیل می‌شود.

۱. برای آنکه انسان به سعادت برسد افزون بر هدایت تکوینی، نیازمند هدایت تشریحی است؛ بنابراین راهبردهای ارایه‌شده نباید ناسازگار با شریعت اسلامی باشند. نیز انسان‌ها در برابر بهره‌مندی از هر حقی از جمله حق آزادی با تکلیف‌ها و مسئولیت‌هایی روبه‌رو هستند. این تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها در حقیقت محدودکننده حق بهره‌مندی از آزادی اقتصادی انسان‌ها هستند؛ بنابراین در تبیین هر راهبردی ضمن تأکید بر حق آزادی انسان به این تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها نیز باید توجه شود.

۲. بر پایه نظریه «اصالت فرد و جامعه» از دیدگاه اسلام انسان‌ها در عرصه اقتصادی ضمن داشتن استقلال و آزادی، در برابر جامعه نیز با مسئولیت‌هایی روبه‌رو هستند که این مسئولیت‌ها محدودکننده آزادی وی است. تأکید می‌شود که براساس آموزه‌های اسلامی تمام این تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای رسیدن انسان به سعادت و کمال از ناحیه شریعت اعتبار شده‌اند.

۳. مبتنی بر جایگاه انسان در عالم آفرینش، نظام اقتصادی اسلام و الگوها و راهبردهای آن باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شود تا بستر آزادی اقتصادی برای تمام انسان‌ها فراهم شود و همه انسان‌ها بتوانند در چارچوب ضوابط شریعت پی‌گیر هدف‌های مشروع اقتصادی خود باشند. نیز باید جایگاه انسان در برابر سرمایه ترفیع پیدا کند و بستر لازم فراهم شود تا سرمایه در چارچوب ضوابط شرعیه در اختیار همه انسان‌های فعال قرار گیرد. پاداش مناسب به سرمایه در چارچوب موازین فقهی براساس میزان نقشی که در تولید دارد، پرداخت شود.

براساس شرایط و ویژگی‌های پیش‌گفته راهبردهای الگوی آزادی اقتصادی مردم‌سالار عبارت هستند از:

۱. راهبرد تعاونی تلفیقی واقعی (سازگاری هدف‌های هر سه گروه فعال اقتصادی)؛
۲. راهبرد تعاونی تولیدی واقعی (سازگاری هدف‌های دو گروه فعال اقتصادی)؛
۳. راهبرد مشارکت نیروی کار در مالکیت (کاهش ناسازگاری هدف‌های دو گروه فعال اقتصادی)؛
۴. راهبرد مشارکت سهامی در مالکیت (وقوع ناسازگاری هدف‌های سه گروه فعال اقتصادی)؛
۵. راهبرد مالکیت فردی (وقوع ناسازگاری هدف‌های سه گروه فعال اقتصادی).

تبیین و تحلیل ابعاد هر پنج راهبرد، مجال وسیعی را می‌طلبد. نگارنده بر این باور است که ظرفیت راهبرد تعاونی تلفیقی واقعی، جهت تحقق آزادی اقتصادی وسیع‌تر از راهبردهای دیگر است؛ بنابراین در این مجال، فقط به تبیین این راهبرد می‌پردازد.

تعاونی تلفیقی واقعی، راهبرد الگوی آزادی اقتصادی مردم‌سالار

در مبانی بیان شد که جایگاه انسان در فرایند اقتصادی باید در برابر سرمایه ترفیع پیدا کند و همه انسان‌ها در راهبرد مورد بحث باید از حق آزادی اقتصادی بهره‌مند باشند و در امور مهم اقتصادی از رأی و نظر آنان استفاده شود. برای تحقق این امر در تعاونی تلفیقی، هر سه گروه فعال اقتصادی (صاحبان سرمایه، نیروی کار و مصرف‌کنندگان) در کنار هم قرار می‌گیرند و هدف‌های همه آنها در فعالیت‌های اقتصادی تأمین می‌شود و همه آنها در تصمیم‌گیری در امور مهم اقتصادی سهیم هستند؛ چون در این راهبرد، هر یک از اعضای تعاونی، مصرف‌کننده، تولیدکننده و صاحب سرمایه است. برای تحقق این راهبرد باید

مصرف‌کنندگان، تولید کالاها و خدمات مورد نیاز خود را بر عهده گیرند. این راهبرد با طرح سه مرحله‌ای اجرایی می‌شود:

الف) نخست تعاونی‌های توزیع و مصرف تشکیل می‌شود.

ب) با تأسیس بنگاه‌های تولیدی، کالاهای مورد نیازشان را تولید می‌کنند.

ج) با تولید مواد اولیه کالاها، حلقه اقتصادی را کامل می‌کنند. با توضیح مختصر هر سه مرحله، ابعاد این راهبرد روشن‌تر می‌شود.

مرحله نخست: در این مرحله، تعاونی‌های توزیع و مصرف محلی تأسیس می‌شوند. همه افراد جامعه با قبول مسئولیت و تکلیف‌هایی که متوجه آنان هست و به انجام آن قارد باشند، حق بهره‌مندی از آزادی عضویت در تعاونی تلفیقی را دارند. آنان با خرید یا پذیرش تعهد دست‌کم یک سهم می‌توانند به عضویت این تعاونی‌ها درآیند. با توسعه و تمرکز بنگاه‌های توزیع و مصرف و پدیدساختن اتحادیه‌های تعاونی، شعاع عمل وسیعی برای آنها در سطح محلی، منطقه‌ای و ملی فراهم می‌شود. با توسعه تعاونی توزیع و مصرف که تحت نظر اتحادیه‌های محلی، منطقه‌ای و ملی فعالیت می‌کنند، حجم فروش کالاها گسترده می‌شود. تعاونی‌های توزیع و مصرف به‌عللی که در بحث اصل مازاد برگشتی بیان می‌شود، کالاها را به قیمت بازار به مصرف‌کنندگان عرضه می‌کنند. آنها منافع قابل‌توجهی از راه جمع‌آوری سرمایه‌های کوچک و مازاد فروش بین قیمت تمام‌شده و فروش به قیمت بازار، به‌دست می‌آورند.

آنان با گسترش فعالیت اقتصادی در این مرحله، دو هدف عمده را دنبال می‌کنند که عبارت هستند از:

۱. به‌دست آوردن سرمایه کافی جهت راه‌اندازی بنگاه‌های تولیدی مراحل بعدی.

۲. به‌دست آوردن بازار لازم و مطمئن برای تولیدات؛ تعاونی‌ها با داشتن تعداد قابل‌قبول اعضا، با اعتماد و اطمینان بیشتری به تولید کالاها و خدمات اقدام می‌کنند.

تأکید می‌شود که اتحادیه ملی تعاونی‌ها انواع هدایت‌ها و حمایت‌ها مانند کمک‌های مالی، بازاریابی، فنی و ... را برای این قبیل تعاونی‌ها ارائه می‌دهند و در کنار آن هدایت‌ها و حمایت‌ها، بر فرایند فعالیت‌های اقتصادی سه مرحله پیش‌گفته نظارت می‌کنند تا آنها از چارچوب رعایت اصول خود خارج نشوند.

مرحله دوم: در این مرحله با استفاده از سرمایه‌های جمع‌آوری شده از راه فروش سهام به اعضا و ذخایر حاصل از فعالیت‌های اقتصادی مرحله اول، منابع قرض‌الحسنه و کمک‌های دولتی، کارخانه‌های تولیدی تأسیس می‌شوند. با تأسیس این قبیل واحدهای تولیدی، کالاهای مصرفی اعضا به دست خودشان یا تحت نظارت آنها تولید و عرضه می‌شوند. به عبارت دیگر مصرف‌کنندگان، کالاهای مورد نیاز خودشان را تولید می‌کنند یا تحت نظارتشان تولید می‌شود. بنگاه‌های تولیدی برای میزان تولید خود از پیش میزان تقاضا را به‌طور تقریبی اطلاع دارند. چون مشتریان تعاونی‌ها، اعضای تعاونی‌ها هستند که در مرحله نخست به تعداد فراوانی افزایش یافته‌اند؛ البته در صورتی که مشکلی برای تعاونی‌ها پدید نیاید، کالاهای تولیدی را نیز می‌توانند به غیراعضای تعاونی بفروشند. به این ترتیب، بین مصرف و تولید تعادل پدید می‌آید؛ همچنین تعاونی‌های تلفیقی به موازات توسعه، اعضای جدیدی جذب و در تعاونی‌ها مشغول به کار می‌کنند؛ یعنی از یک سو همیشه اشتغال را افزایش می‌دهند و از سوی دیگر، میزان اشتغال را با میزان تقاضا و تولید هماهنگ می‌کنند؛ بنابراین باعث پدیدساختن اشتغال و رفع بیکاری متعادل در اقتصاد می‌شوند.

مرحله سوم: در این مرحله، خود تعاونی‌ها باید مواد اولیه تولید را خودشان تولید و فراهم کنند. خرید زمین، تهیه مواد اولیه از راه معادن و ... برای تأمین مواد مورد نیاز کارخانه‌های تولیدی را فراهم می‌کنند. به این ترتیب با فرض اینکه تمام مصرف‌کنندگان، عضو تعاونی‌ها هستند و تمام مرحله‌های تولید، تبدیل، بسته‌بندی، توزیع و مصرف و ... به‌وسیله خود اعضا انجام می‌شود، تاخت‌وتاز بنگاه‌های سرمایه‌داری کنترل می‌شود. با تأسیس مانند تعاونی‌ها، کینه و عداوت از بین می‌رود و به نزاع بین کارگران، کارفرمایان و مصرف‌کنندگان پایان داده می‌شود؛ چون صاحبان سرمایه، خود اعضای تعاونی‌ها هستند. تمام اعضای تعاونی‌ها چه اعضایی که در تعاونی‌ها اشتغال به کار دارند و چه آنانی که در تعاونی‌ها اشتغال به کار ندارند، سهام‌داران تعاونی هستند. با توافق اعضای تعاونی و تصویب هیئت مدیره، سود متناسبی به سرمایه آنها تعلق می‌گیرد. نیز تولیدکنندگان نیز از اعضای تعاونی‌ها هستند که افزون بر صاحب سهم بودن، از دستمزد مناسبی بهره‌مند می‌شوند. اعضای تعاونی غیرشاغل که فقط به خرید کالاهای تولیدی جهت مصرف اقدام می‌کنند،

افزون بر دریافت سود سهام متناسب، کالاهای با کیفیتی که مورد نظرشان است از تعاونی‌ها می‌خرند. در پایان دوره مالی نیز مبلغی تحت عنوان مازاد برگشتی دریافت می‌کنند؛ البته از این مزیت نیز تمام اعضای شاغل که از تعاونی‌های تلفیقی خرید می‌کنند، بهره‌مند هستند؛ بنابراین هدف‌های هر سه گروه صاحبان سرمایه، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در این قبیل تعاونی‌ها تأمین و نزاع بین آنان برطرف می‌شود.

با توجه به مطالبی که در پایان مرحله دوم و سوم بیان شد، تردیدی وجود ندارد که با تحقق هر سه مرحله، در عرصه اقتصادی، رفاه عمومی برای تمام اعضای تعاونی بلکه برای عموم مردم به سمت بهبودی پیش می‌رود؛ چون تعاونی‌های تلفیقی به‌طور دائم در صدد توسعه فعالیت‌های اقتصادی خود و فراهم‌ساختن زمینه اشتغال متعادل برای همه مردم هستند؛ همچنین واسطه بین مصرف‌کننده و تولیدکننده از بین می‌رود و بخش مهمی از درآمد مصرف‌کنندگان که به واسطه‌ها می‌رسید، برای مصرف‌کننده صرفه‌جویی شده و قدرت خرید آنان افزایش می‌یابد. افزون بر آن، سودی که از طرف مصرف‌کنندگان قبلاً به سرمایه‌داران می‌رسید، به نفع مصرف‌کنندگان، صرف انجام امور تولیدی یا باعث افزایش قدرت خرید آنان می‌شود. تحقق این الگو نیازمند آن است که اصولی تحت عنوان اصول اجرایی پی‌گیری شود.

اصول اجرایی الگوی آزادی اقتصادی

تحقق الگوی آزادی اقتصادی و نیز راهبرد بیان‌شده، نیازمند اصول اجرایی خاصی است. فقط با رعایت آن اصول می‌توان انتظار داشت که شرایط و زمینه الگوی آزادی اقتصادی و راهبرد آن محقق شود. در ادامه، آن اصول براساس آموزه‌های اسلامی بیان و مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

۱. اصل عضویت آزاد و مسئولانه

براساس مبانی بیان‌شده درباره جایگاه انسان در فرایند اقتصادی، همه انسان‌ها حق دارند تا در فعالیت‌های اقتصادی آزادانه بکوشند. هدف از اقتصاد تعاونی، تأمین رفاه عمومی و توزیع عادلانه ثروت و دارایی جامعه است؛ بنابراین اگر مقتضی و ظرفیت همکاری برای افراد وجود داشته باشد، آنان در صورت تمایل مختار هستند در این نوع فعالیت همکاری و عضویت یابند. این همکاری در صورتی که با نافرمانی خداوند متعال ﷻ و گناه همراه

نباشد، مصداق برّ و تقوی است که خداوند متعال ﷻ به آن فرمان داده است: «تعاونوا علی البرّ و التقوی» (مائده: ۲)؛ یعنی در امور خیر و تقوا، تعاون و همکاری کنید.

اگر افرادی برای رفع نیازهای زندگی خود، نیازمند به عضویت و همکاری در اقتصاد تعاونی باشند، براساس حقوق برادری در اسلام، حق عضویت و همکاری پیدا می‌کنند. انسان‌ها در پذیرش یا عدم پذیرش عضویت، مختار و آزاد هستند؛ چرا که آزادی، حق همه افراد است البته در صورت تمایل فردی به عضویت، اعضای تعاونی به پذیرش عضویت وی ملزم نیستند. هر چند اگر فرد متقاضی واجد صلاحیت همکاری بوده و مقتضی و ظرفیت پذیرش نیز وجود داشته باشد، اعضای تعاونی در صورت عدم پذیرش وی، کاری خلاف اخلاق و حقوق برادری انجام داده‌اند. از سوی دیگر نباید فردی را مجبور به پذیرش عضویت کرد یا شرایطی را پیش آورد تا افرادی مجبور به عضویت و همکاری در تعاونی شوند؛ چرا که این نوع رفتار مانع بهره‌مندی انسان‌ها از حق آزادی و اختیارشان می‌شود.

براساس دیدگاه اسلام مردم در چگونگی بهره‌مندی از جان و مال خود آزاد هستند و هیچ‌کس نباید مانع استفاده آنان از آزادیشان شود. فقیهان اسلام بنای عقلا را علت بر این آزادی می‌دانند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۹-۴۳). بنای عقلای عالم از زمان‌های قدیم تاکنون بر این بوده است که انسان آزاد است که هر گونه بخواهد در مال و نفس خود تصرف کند. افزون بر بنای عقلا، روایت‌ها مؤید آزادی اقتصادی انسان است. از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است: «الناس مسلطون علی أموالهم» (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۷۳)؛ یعنی مردم بر اموال خود مسلط هستند.

تسلط بر اموال، اقتضا دارد که صاحب مال بتواند هرگونه تصرفی در اموالش بکند. روایت‌های دیگری نیز مؤید آزادی انسان‌هاست (حرّ عاملی، ۱۲۸۸ق، ج ۱۳، ح ۱-۲)؛ بنابراین آزادی عضویت در فعالیت تعاونی، حق انسان است اما در برابر این حق، وی با تکالیفی روبه‌رو است.

امام علی ﷺ درباره تلازم حق و تکلیف می‌فرماید:

حقی برای کسی نیست مگر آنکه بر عهده‌اش هم حقی هست و به عهده کسی حقی نیست مگر آنکه برای وی و به نفع وی هم حقی هست و اگر کسی برایش حقی است اما بر عهده‌اش حقی نیست، فقط خدای سبحان ﷻ است نه دیگری از آفریدگانش (رضی، ۱۳۷۸،

خ ۲۱۶، ص ۲۴۸).

اگر فردی از این حق خود بهره‌مند شود و به عضویت تعاونی درآید، با تکالیف و مسئولیت‌هایی روبه‌رو است. وقتی یک تعاونی در حال تأسیس است افرادی که درصدد تعیین عضو و همکار هستند، باید برای آنان محرز شود که اعضای تعاونی صلاحیت لازم برای ایفای تکالیف و مسئولیت خود را دارند. در غیر این صورت دیگران حق دارند کسانی را که صلاحیت کافی برای عضویت و همکاری را ندارند، مانع عضویت آنان شوند. همان‌طور اینکه اگر تعاونی پیش از آن تأسیس شده باشد و افرادی متقاضی عضویت باشند، باید صلاحیت آنان برای انجام مسئولیت و تکالیف، برای اعضای تعاونی احراز شود. علت مسئولیت و تکالیف اعضای تعاونی در برابر بهره‌مندی از حق آزادی، گفتار حضرت علی علیه السلام است که پیشتر بیان شد. این مسئولیت‌ها اعم از مسئولیت‌های حقوقی و اخلاقی (ر.ک به: یوسفی، ۱۳۸۶، فصل اصول راهبردی) که اعضای تعاونی هنگام عضویت متعهد به انجام آنها می‌شوند و اصول و ارزش‌های تعاونی آنها را بیان می‌کنند.

۶۵

۲. اصل مدیریت همگانی

اقتصاد تعاونی را متناسب با فلسفه آن، مجمع اشخاص و اعضا می‌دانند؛ بنابراین حاکمیت انسان‌ها معیار و ملاک در فعالیت‌های اقتصادی است؛ در نتیجه، تمام اعضای تعاونی با صرف‌نظر از میزان سهمشان حق رأی مساوی در فرایند مدیریت اقتصادی دارند (طالب، ۱۳۷۶، ص ۱۵۷ / وزارت تعاون و امور روستاها، ۱۳۵۲، ص ۸۶ - ۸۹ / بوگاردوس، ۱۳۵۲، ص ۳۱-۳۳ / بکن، ۱۳۵۶، ص ۵۱-۵۳ / انصاری، ۱۳۸۳، ص ۱۶۴-۱۶۷). آنان برای استفاده از این حق به‌طور کامل آزاد هستند. اعضای تعاونی از این راه، اعمال مدیریت و نظارت همگانی می‌کنند. به همین جهت و نیز به عللی که در بحث‌های آتی روشن خواهد شد، در این تحقیق واژه «مدیریت همگانی» استفاده شده است.

جرج دراهیم یکی از اندیشه‌وران اقتصاد تعاونی باور دارد که اگر اصل هر عضو یک رأی در اقتصاد تعاونی رعایت نشود، ماهیت تعاونی به‌عنوان مجمع اشخاص به خطر می‌افتد (طالب، ۱۳۷۶، ص ۱۷۱). *راسل* باور دارد که جهان به‌رغم تحصیل حکومت مردم بر مردم در عرصه سیاسی هنوز جهان قرن بیستم به چنین حکومتی در عرصه صنعتی و

اقتصادی دست نیافته است؛ در حالی که چنین نظامی بهترین راه برای افزایش کارایی و تقویت نیروی خلاقه در بخش اقتصادی است. به نظر وی نظام سرمایه‌داری که در اصل مبتنی بر تأسیس منافع گروه‌های خاص اجتماع است، بی‌تردید باعث بروز اختلاف‌های متعدد میان طبقه‌های کارگر و کارفرما می‌شود چرا که سرمایه‌دار نمی‌تواند حداکثر کارایی را در ازای حداقل مزد، تضمین کند اما کارگر علاقه دارد تا حد ممکن حداکثر مزد را در ازای کار خود دریافت کند؛ بنابراین نمی‌توان از نظام سرمایه‌داری، اجتماعی هماهنگ و عاری از کینه‌جویی و نارضایتی را انتظار داشت؛ چون جدایی روزافزون گروه‌های کارگر و سرمایه‌دار و اختلاف منافع آنان عواقب نامطلوب در بردارد. وی باور دارد فقط نظام تعاونی مبتنی بر اصول دموکراتیک می‌تواند بسیاری از عواقب نامطلوب پیش‌گفته را کاهش دهد (مدنی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۶، به نقل از راسل، ۱۳۵۷).

بشر در عرصه سیاسی برای بهره‌مندی همه مردم از قدرت سیاسی جامعه به نظام سیاسی حکومت مردم بر مردم، دست یافته است که اراده مردم در نوع استفاده از قدرت سیاسی جامعه اثرگذار است؛ اگرچه چنین حکومتی مبتنی بر مبانی سکولار با اشکال‌های فراوانی روبه‌رو است (ر.ک به: فرزانه، ۱۳۸۸، ص ۳۰۷ - ۳۳۶)؛ اما در عرصه اقتصادی، اراده آزاد همه مردم در بهره‌مندی آنان از قدرت اقتصادی جامعه - ثروت و دارایی ملی - در چارچوب نظام اقتصادی که حاکمیت مردم بر مردم را رقم زند، اقتصاد تعاونی است. همان‌طوری که در عرصه سیاسی اگر حکومت مردم بر مردم براساس مبانی صحیح پی‌گیری شود، همه مردم از قدرت سیاسی جامعه به‌صورت عادلانه بهره‌مند خواهند شد، در عرصه اقتصادی نیز اگر اقتصاد تعاونی واقعی اتفاق بیفتد، اراده آزاد تعاون‌گران در بهره‌مندی از ثروت و دارایی جامعه به‌صورت عادلانه اعمال خواهد شد.

مدیریت همگانی از دید آموزه‌های اسلامی

از دید فقهی آیا این نوع مدیریت مجاز است؟

توجه به امور ذیل، افزون بر مجاز بودن، اهمیت آن را نیز مشخص می‌کند:

۱. فقیهان اسلام انواع شرکت‌های صحیح و باطل را در بحث‌های فقهی مورد بررسی قرار داده‌اند. یکی از انواع شرکت‌های صحیح، شرکت عقدی در اموال بین دو نفر یا بیشتر

است. تعاونی‌ها در شمار شرکت عقدی در اموال هستند و اگر اموری مانند بلوغ، عقل، اختیار و ... که در عقدهای مالی اعتبار دارند، در تعاونی‌ها رعایت شوند، از دید اسلام صحیح خواهد بود. در تعاونی اگر مشارکین شرطی کنند که خلاف مقتضای عقد و نیز ناسازگار با موازین شرعی نباشد، آن عقد مشارکت صحیح است (نجفی، ۱۳۹۴ق، ج ۲۶، ص ۲۸۴ / موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۵۹۲-۵۹۳، مسئله ۳-۵)؛ بنابراین در مدیریت تعاونی‌ها اگر همه اعضا با اختیار کامل بپذیرند که هر عضو فقط حق یک رأی داشته باشد، نه خلاف مقتضای عقد و نه به امری که خلاف شرع باشد، ملتزم شده‌اند. نیز اگر در مدیریت تعاونی‌ها، افزون بر هر عضو یک رأی، براساس ملاک تخصص و سابقه عضویت نیز تعدادی رأی به اعضا اختصاص یابد، به‌عللی که گذشت به‌طور قطع بی‌اشکال است.

۲. مسئولیت‌پذیری اعضا باعث می‌شود قوانینی که به مصلحت عموم مردم وضع می‌شود، به‌وسیله آنان رعایت شده و از نابه‌سامانی‌ها جلوگیری شود و نظم لازم استقرار یابد. پدیدساختن مسئولیت در اعضای شرکت تعاونی در صورتی ممکن است که اعضا احساس کنند به‌طور واقعی نظرهای آنان در مدیریت تعاونی اهمیت دارد؛ بنابراین اگر حق رأی افراد براساس میزان سرمایه آنان باشد، به‌طور قطع میزان احساس مسئولیت اعضا کاسته می‌شود. در آموزه‌های دینی به مسئولیت‌های افراد در برابر هم فراوان تصریح شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام در سخنان فراوانی مردم را مورد خطاب قرار داده و به مسئولیت آنان در برابر هم تأکید کرده‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة» (بخاری، ۱۹۸۱م، ج ۱، ص ۱۶۰ / مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۷۵، ص ۳۸)؛ همه شما نگهبان هستید و همه شما در برابر مردم مسئول هستید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در فرمایش دیگری برای اهتمام به امور مسلمانان فرمود: «من اصبح ولا یهتمّ بامور المسلمین فلیس منهم» (کلینی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۶۴)؛ یعنی هر کس صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نرزد، مسلمان شمرده نمی‌شود.

برای اینکه اعضای تعاونی به امور همدیگر اهتمام ورزند، باید بستر این امر برای همه اعضا فراهم شود. تردیدی نیست که یکی از مهم‌ترین راه‌های فراهم‌کردن این بستر در تعاونی‌ها آن است که افراد احساس کنند که نظر آنان در امور مدیریتی اهمیت دارد که مصداق کامل تحقق آن، رأی‌گیری به‌گونه‌ای است که بیان شد.

۳. وحدت و هم‌بستگی جامعه اسلامی در همه امور مطلوب و مورد تأکید آموزه‌های اسلامی است. خداوند متعال ﷻ در قرآن کریم تصریح می‌فرماید: «واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا» (آل عمران: ۱۰۳)؛ یعنی همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید. مدیریت به‌گونه‌ای که بیان شد، به‌طور قطع میزان وحدت، هم‌بستگی و الفت اعضا را در اقتصاد تعاونی تقویت می‌کند و مجموعه اقتصاد تعاونی را برای رسیدن به هدف‌هایشان کمک می‌کند.

۳. اصل سود محدود برای سرمایه (سود متناسب برای سرمایه)

دله ذیل برای تعلق سود محدود به سرمایه ارایه می‌شود:

۱. اگر به سرمایه، بهره‌ای برابر با بهره حاصل از عرضه و تقاضای سرمایه در بازار داده شود یا مازاد دستمزد نیروی کار و هزینه‌های دیگر، سهم سرمایه و مالک آن باشد، سرمایه در برابر نیروی‌های فعال، ترفیع شأن می‌یابد و این وضعیت خلاف فلسفه تأسیس اقتصاد تعاونی است. نویسنده کتاب اصول تعاون در دنیای معاصر باور دارد که: «پول و سرمایه در اقتصاد تعاونی باید همواره خدمت‌گزار باشد نه ارباب ... بهره به میزان فراوان می‌تواند به یک قدرت برده‌سازی مبدل شود» (آبوتز، ۱۳۴۸، ص ۱۵). اتحادیه بین‌المللی تعاون در سال ۱۹۶۶ درباره محدودیت سود سرمایه تعاونی گزارش داده است که تکنیک‌های صنعتی اشتهای پایان‌ناپذیری برای بلع سرمایه دارند، افرادی که مالک یا فرمانروای پول هستند، در دادوستدها چنان قدرت معاملاتی نیرومندی دارند که در برابر دیگر عوامل تولید، بالاترین منافع را به دست می‌آورند (طالب، ۱۳۷۶، ص ۱۹۹-۲۰۰).

سرمایه‌داران با قدرت سرمایه، سرنوشت تولید و تولیدکنندگان را تحت اختیار می‌گیرند. با قدرت پول تقاضای کاذب و کمبود مصنوعی پدید می‌آورند و سرنوشت انسان را رقم می‌زنند و تولیدهای فراوان که باید در خدمت انسان و برای رفاه وی باشد، وسیله‌ای جهت پدیدساختن مشکل‌های بیشتر برای انسان می‌شود. سرمایه‌داران بزرگ با احتکار مواد اولیه، جلوگیری از تولید و فروش کالاهای مشابهی که به‌وسیله بنگاه‌های کوچک‌تر عرضه می‌شوند و ارزان‌فروشی به میزان معین و در زمان محدود و سرانجام ورشکست‌کردن

تولیدکنندگان کوچک برای از میان بردن دیگر بنگاه‌های تولیدی، انسان‌ها را به خدمت سرمایه درمی‌آورند (لاسر، ۱۳۵۰، ص ۷۸-۷۷).

با توجه به آنچه گذشت، اصل محدودیت سود سرمایه، حرکت به سمت ارزش دادن به انسان است تا به سوی حاکمیت انسان در برابر پول و سرمایه گام برداشته شود.

۲. با محدودیت سود سرمایه، الگوی دموکراسی اقتصادی محقق می‌شود اما با حاکمیت پول و سرمایه، دموکراسی در عرصه اقتصادی معنا نخواهد داشت. انسان‌ها در عرصه سیاسی با مشارکت در رأی و بهره‌مندی از قدرت و توزیع آن دموکراسی سیاسی خواهند شد. همین‌طور باید با تنزل جایگاه سرمایه و ترفیع جایگاه انسان و تبدیل سرمایه به خدمت‌گزار واقعی برای همه انسان‌ها، به دموکراسی واقعی دست یافت. به قول شارل ژرید اقتصاد تعاونی عبارت است از دموکراسی اقتصادی که انسان بر سرمایه پیروز می‌شود. یکی از اصول تحقق چنین دموکراسی اقتصادی، سود محدود به سرمایه در اقتصاد تعاونی است (مدنی، ۱۳۷۲، ص ۱۴۷). در حقیقت با محدودیت سود به سرمایه و توزیع مازاد بر آن، به نیروی‌های فعال اقتصادی، به جای سرمایه‌سالاری در روابط اقتصادی، مردم‌سالاری اقتصادی، تقویت می‌شود و حاکمیت همه نیروی‌های فعال در روابط اقتصادی محقق می‌شود.

۳. تعاونی‌های تلفیقی افزون بر پی‌گیری هدف‌های اقتصادی از جمله رفاه عمومی، هدف‌های اجتماعی مانند صلح، برادری و آزادی را نیز دنبال می‌کنند. اقتصاد تعاونی از اعضای خود توقع دارد که مفهوم و هدف‌های تعاون را درست درک کنند و در تحقق مفهوم تعاون و وصول به هدف‌های آن با هم همکاری داشته باشند و با قبول مسئولیت در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کنند و با احساس مالکیت نسبت به بنگاهی که در آن فعالیت می‌کنند، برای بهبود وضعیت زندگی همه اعضای آن بکوشند. تأمین چنین هدف‌ها و شرایطی با حاکمیت سرمایه در برابر انسان هرگز امکان‌پذیر نیست اما با حاکمیت انسان در فرایند اقتصادی و تخصیص سود محدود به سرمایه، راه تحقق چنین شرایطی هموار می‌شود (وزارت تعاون و امور روستاها، ۱۳۵۲، ص ۱۲۷-۱۲۸). اتحادیه بین‌المللی تعاون نیز در بیست و سومین کنگره تعاونی در سال ۱۹۶۶ در گزارش خود درباره تفاوت‌های اساسی نظام اقتصاد تعاونی با مؤسسه‌های تجاری آورده است که هدف اصلی اقتصاد تعاونی ارزان‌ساختن ضروریات زندگی برای مصرف‌کنندگان یا تأمین یک زندگی شایسته برای

تولیدکنندگان و سرانجام بنیان‌گذاری یک نظام اجتماعی بر مبنای انصاف برای توزیع ثروت و درآمد است. دنبال‌کردن این هدف‌ها فقط با تخصیص سود محدود به سرمایه و گرفتن حاکمیت و فرمانروایی از آن و سپردنش به انسان امکان‌پذیر است (طالب، ۱۳۷۶، ص ۲۰۰).

سود محدود از دید آموزه‌های اسلامی

از دید اسلام اگر قراردادی صحیح منعقد شود و افراد با رضایت و آزادی کامل، شروطی را به‌عنوان طرف قرارداد بپذیرند، در صورتی که این شروط خلاف مقتضای قرارداد و مخالف شرع مقدس اسلام نباشند، چنین قراردادی بی‌اشکال است؛ بنابراین طرف‌های قرارداد اعم از آنانی که در تعاونی عضو هستند یا افرادی که عضو نیستند اما در تعاونی سرمایه‌گذاری می‌کنند در صورتی که با آزادی و رضایت کامل، سود محدود به سرمایه را بپذیرند حتی اگر این سود کمتر از سود متعارف بازار باشد، چنین قراردادی از دید اسلام صحیح است؛ چون اولاً، خلاف مقتضای قرارداد، شرطی نشده است؛ ثانیاً، این شرط خلاف شرع مقدس اسلام نیست حتی اگر اعضای تعاونی یا افراد غیرعضو با آزادی و رضایت کامل سرمایه‌گذاری کنند و در برابر سرمایه‌گذاری، به‌طور مطلق متعهد به عدم دریافت سودی شوند باز هم بی‌اشکال است. در تأیید آنچه بیان شد، روایت‌ها تصریح دارند که برادر مؤمن از برادر مؤمن خود در معامله‌ها و قراردادهای سود دریافت نمی‌کند و این امر در روایت‌ها به‌عنوان حق برادری نامیده شده است. امام صادق علیه السلام در روایتی فرموده است: «ربح المؤمن علی المؤمن ربا» (حرّ عاملی، ۱۲۸۸ق، ج ۱۷، ح ۳، ص ۲۹۷)؛ یعنی سود مؤمن از مؤمن دیگر رباست. حضرت علیه السلام در روایت دیگری تعبیر «ربح المؤمن ربا»؛ یعنی سود مؤمن رباست، را دارد (همان، ج ۱۷، ح ۵، ص ۲۹۸).

البته اطلاق گفتار امام علیه السلام در بیان دیگری تقیید شده است (همان، ج ۱۷، ح ۴، ص ۳۹۷) و فقیهان روایت‌های این موضوع را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که دریافت سود در عصر غیبت امام زمان علیه السلام حرام نبوده و فقط مکروه است (نجفی، ۱۳۹۴ق، ص ۴۵۵)؛ بنابراین اگر طرف‌های قرارداد در تعاونی‌ها همه از مؤمنان باشند، شایسته است اصلاً سودی دریافت نکنند. در صورت دریافت سود، هر چه کمتر دریافت کنند، مطلوب‌تر است؛ بنابراین، براساس آنچه بیان شد، دریافت سود محدود با شرایط بیان‌شده هیچ‌گونه اشکالی ندارد.

۴. اصل مازاد برگشتی

در اقتصاد تعاونی بر اثر فعالیت‌های اقتصادی اعضا، درآمدی حاصل می‌شود. وقتی هزینه‌ها کسر شوند، ذخیره‌های لازم انجام گیرد و سود محدودی به سرمایه تعلق گیرد، اقتصاد تعاونی ممکن است با سود ویژه روبه‌رو شود. این سود ویژه بین اعضای تعاونی که در تولید آن نقش داشته‌اند، توزیع می‌شود؛ بنابراین به آن، مازاد برگشتی اطلاق می‌شود. در بنگاه‌های اقتصادی غیرتعاونی، سود حاصله، بین تعداد خاصی که صاحبان سرمایه باشند، توزیع می‌شود اما در اقتصاد تعاونی این سود نصیب افرادی می‌شود که در پدیدآمدن آن نقش داشته باشند. در اقتصاد تعاونی، اصل آن است که هیچ‌گونه مازاد درآمدی پدید نیاید و فروش کالاها به قیمت تمام‌شده صورت گیرد اما به علل ذیل تعاونی‌ها به انجام چنین امری قادر نیستند:

۱. فروش کالا به قیمت تمام‌شده ممکن است باعث تحریک بخش خصوصی و رقابت مخرب آنان را علیه تعاونی‌ها برانگیزاند.
۲. قیمت تمام‌شده که به‌طور معمول از قیمت متعارف بازار پایین‌تر است، باعث می‌شود تا برخی از اعضا کالا را بیش از نیاز خود خریده و در اختیار دیگران قرار دهند. این امر ممکن است مشکلاتی را برای تعاونی پدید آورد.
۳. ممکن است برخی کالاها در انبار باقی بماند یا فاسد شود یا از نظر وزن و کیفیت افت کند. در این صورت فروش به قیمت تمام‌شده باعث زیان می‌شود.
۴. سرشکن کردن هزینه‌های شرکت تعاونی روی انواع کالاها و تعیین قیمت تمام‌شده هر یک از آنها، افزایش هزینه‌های حسابداری و مشکل‌های فراوانی را به‌دنبال دارد (بکن، ۱۳۵۶، ص ۶۶-۶۸ / طالب، ۱۳۷۶، ص ۲۳۵-۲۳۶ / انصاری، ۱۳۸۳، ص ۱۷۴-۱۷۵).

بنابراین تعاونی‌ها ناچار هستند از قیمت تمام‌شده عدول کرده و قیمت کالاهای خود را در حد قیمت متعارف بازار یا نزدیک به آن، عرضه کنند. در حقیقت، خریدار کالا با خرید خود، مازادی به اندازه تفاوت قیمت تمام‌شده و قیمت خرید را پدید می‌آورد؛ در حالی که هدف از تأسیس تعاونی، عدم پرداخت این مازاد به‌وسیله اعضای تعاونی است؛ بنابراین مازاد پدیدآمده به‌وسیله اعضای تعاونی در پایان سال مالی باید به نسبت معاملاتشان به خود آنان برگشت داده شود یا به اعضای تعاونی که به نسبت نقش و تأثیری که در تولید داشتند، توزیع می‌شود. در این امر اختلاف‌نظر فراوانی وجود دارد که در جای خود باید

بحث شود (طالب، ۱۳۷۶، ص ۲۱۹/ انصاری، ۱۳۸۳، ص ۱۷۴-۱۷۵/ وزارت تعاون و امور روستاها، ۱۳۵۲، ص ۱۵۵-۱۵۹).

۵. اصل آموزش و اطلاع‌رسانی دائمی به اعضا

برای فعالیت‌های دسته‌جمعی که به دنبال هدف‌های مشخصی هستند و هر یک از افراد آن، وظیفه‌هایی را به سمت هدف‌ها بر عهده دارند، بدون آموزش و اطلاع‌رسانی کافی، وصول به هدف‌ها امکان‌پذیر نیست. یکی از هدف‌های نهضت تعاون، پدیدساختن تغییرهای مناسب در رفتار افراد جامعه به منظور رفع نیازهای زندگی از راه همکاری و تفاهم دسته‌جمعی است. این تغییرها فقط از راه آموزش امکان‌پذیر است. تجربه نشان داده که مهم‌ترین عامل شکست تعاونی‌ها عدم توجه کافی به مسئله آموزش بوده است. بی‌اطلاعی اعضای تعاونی از هدف‌ها و اصول تعاونی و اینکه چه انتظاری از تعاونی دارند و تعاونی چه انتظاری از آنان دارد و چگونه باید هیئت مدیره را انتخاب کنند و ... عوامل مهمی هستند که تعاونی‌ها را به سمت شکست پیش می‌برند (وزارت تعاون و امور روستاها، ۱۳۵۲، ص ۱۸۰). برعکس، برخی تحقیق‌ها نشان می‌دهند که تعاونی‌های موفق نسبت به تعاونی‌های ناموفق آنهایی هستند که برنامه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی مطلوبی دارند و برای این امور هزینه‌های قابل‌قبولی متحمل می‌شوند (بوگاردوس، ۱۳۵۲، ص ۱۰۸-۱۰۹). رئیس اتحادیه بین‌المللی تعاون در اهمیت آموزش در تعاونی می‌نویسد: «گفته شده که تعاون نهضتی است اقتصادی که روش‌های آموزشی را به کار می‌برد. این بیان به همان اندازه صحیح است که بگوییم تعاون نهضتی است آموزشی که روش‌های اقتصادی را به کار می‌برد» (وزارت تعاون و امور روستاها، ۱۳۵۲، ص ۱۸۴). اقتصاد تعاونی بدون درک روشن از اصول و اجرای آنها، اقتصاد تعاونی شمرده نمی‌شود. درک اصول و اجرای آن بدون آموزش امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین به لحاظ جایگاه، این اصل از اصولی است که ناظر به دیگر اصول اقتصاد تعاونی است. به تعبیر بوگاردوس از اندیشه‌وران تعاونی «آموزش وسیله‌ای است که اصول تعاونی را عمیقاً و به‌طور وسیعی به عمل در می‌آورد» (بوگاردوس، ۱۳۵۲، ص ۹۳).

اهمیت اصل آموزش به‌طور کامل از فلسفه تأسیس اقتصاد تعاونی ناشی می‌شود. آموزش انسان و اعضای تعاونی باعث می‌شود تا آنان به اصول و ارزش‌ها و ابعاد گوناگون

تعاونی اطلاع و آگاهی پیدا کنند، انواع حقوق و وظیفه‌های خود را بشناسند، تخصص خود را متناسب با پیشرفت‌های علمی افزایش دهند و روش‌های مدیریتی به خدمت‌گرفتن سرمایه را در شرایط گوناگون اقتصادی فرا بگیرند. این نوع آموزش به یقین باعث ترفیع جایگاه انسان در فرایند اقتصادی می‌شود و اقتصاد دانش‌بنیان شکل می‌گیرد. تردیدی نیست که این نوع آموزش، مورد تأیید آموزه‌های اسلامی بوده و نیازمند استدلال و اثبات نیست.

تحلیل آزادی اقتصادی در الگوی مردم‌سالاری اقتصادی (جمع‌بندی)

در راهبرد تعاونی تلفیقی، سه مرحله فعالیت اقتصادی وجود دارد. در مرحله اول، همه افراد حق دارند به هدف رفع نیازهای مادی خود به عضویت تعاونی در آیند. هیئت مدیره تعاونی اگر تشخیص داد که فردی به هدف رفع نیاز مادی خود خواستار عضویت در تعاونی است نباید مانع عضویت وی شود. در صورتی که هیئت مدیره به این نتیجه برسد که فردی به قصد اخلال، قصد عضویت دارد یا حاضر نیست مسئولیت‌های خود را در برابر بهره‌مندی از حق آزادی عضویت بپذیرد، می‌تواند مانع عضویت وی شود؛ بنابراین همه انسان‌های فعال اقتصادی با قبول مسئولیت‌ها که اصول و ارزش‌های تعاونی آنها را بیان می‌کنند، می‌توانند از حق آزادی عضویت در تعاونی تلفیقی بهره‌مند شوند. با عضویت در تعاونی، مالک منابع و محصول تولیدی می‌شوند و در مدیریت فرایند اقتصادی با آزادی کامل نقش مؤثر دارند. در مرحله دوم و سوم، تمام اعضای تعاونی اعم از آنهایی که در تعاونی مشغول هستند یا فقط عضو تعاونی شمرده شده و از محصولات تولیدی تعاونی بهره‌مند می‌شوند با سرمایه‌گذاری خود، مالک منابع و محصول تولیدی می‌شوند و حق آزادی برای انتخاب هیئت مدیره و تصمیم‌گیری در امور مهم تعاونی را دارند؛ یعنی اعضای تعاونی که فقط مصرف‌کننده محصولات تولیدی هستند و نیز اعضای که افزون بر مصرف‌کننده، شاغل در بخش توزیع یا تولید در تعاونی هستند، به معنای واقعی آزادی اقتصادی دارند و میزان سرمایه آنها تعیین‌کننده میزان بهره‌مندی آنان از حق آزادی نیست؛ بنابراین همه اعضای تعاونی تلفیقی هم در عضویت تعاونی و نیز در تصمیم‌گیری‌های فرایند اقتصادی حق پیدا می‌کنند و شرایط بهره‌مندی از این حق برای همه آنان فراهم است. به همین جهت، آزادی اقتصادی در این الگو، آزادی اقتصادی مردم‌سالار

نامیده می‌شود البته چنان‌که بیان شد، اصول دیگر تعاونی نیز زمینه تحقق شرایط الگوی آزادی اقتصادی مردم‌سالار و نیز راهبرد آن را فراهم می‌کنند.

راهبرد الگوی آزادی اقتصادی مردم‌سالار، آثاری مانند حذف سود غیراخلاقی از فعالیت‌های اقتصادی، تحقق قیمت عادلانه، جلوگیری از رکود اقتصادی، جلوگیری از تورم، اشتغال متعادل و رفع بیکاری و حمایت از تولیدات ملی را به دنبال دارد که خود نوشتار جداگانه‌ای را می‌طلبد.

در بحث انواع راهبردها بیان شد که الگوی مردم‌سالار اقتصادی راهبردهایی دارد که با اجرای آنها تمام نیروهای فعال اقتصادی می‌توانند هدف‌های اقتصادی خود را دنبال کنند؛ بنابراین راهبرد تعاونی تلفیقی، نفی‌کننده دیگر بخش‌ها و راهبردهای اقتصادی نیست بلکه راهبردهای الگوی مردم‌سالاری اقتصادی تأمین‌کننده هدف‌های تمام فعالان اقتصادی است. تبیین تمام ابعاد این الگو در نوشته‌های دیگر باید ارایه شود.

منابع و مأخذ

۱. آبوتز، فرد و دیگران؛ اصول تعاون در دنیای معاصر؛ ترجمه سازمان مرکزی تعاون کشور؛ چ ۱، تهران: سازمان مرکزی تعاون کشور، ۱۳۴۸.
۲. آربلاستر، آنتونی؛ ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب؛ ترجمه عباس مخبر؛ چ ۳، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۷.
۳. انصاری، حمید؛ مبانی تعاون؛ چ ۱، تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۳.
۴. بخاری، محمدبن اسماعیل؛ صحیح البخاری؛ چ ۱، [بی‌جا]: دارالفکر، ۱۹۸۱م.
۵. بکن، هنری؛ تصورات بنیانی از تعاون واقعی؛ ترجمه سازمان مرکزی تعاون کشور؛ چ ۱، تهران: سازمان مرکزی تعاون کشور، ۱۳۸۶.
۶. بوگاردوس، اموری؛ تعاون و اصول اولیه آن؛ ترجمه وزارت تعاون و امور روستاها؛ تهران: انتشارات وزارت تعاون، ۱۳۵۲.
۷. تفضلی، فریدون؛ تاریخ عقاید اقتصادی؛ چ ۲، تهران: نشر نی، ۱۳۷۵.
۸. حرّ عاملی، محمدبن حسن بن علی بن محمد؛ وسائل الشیعه؛ [بی‌جا]: [بی‌نا]، ۱۲۸۸ق.
۹. راسل، برتراند؛ جهانی که من می‌شناسم؛ ترجمه روح‌الله عباسی؛ چ ۱، تهران: انتشارات جیبی، ۱۳۵۷.

۱۰. رشیدی، علی؛ «تأمین اجتماعی در اقتصاد مردم‌سالار»؛ فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۲، ش ۵، ۱۳۸۱.
۱۱. _____؛ اقتصاد مردم‌سالار بستر رشد جامعه مدنی؛ چ ۱، تهران: آوای نور، ۱۳۷۷.
۱۲. رنانی، محسن؛ بازار یا نابازار؛ چ ۱، تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۶.
۱۳. ژید، شارل و شارل ژیست؛ تاریخ عقاید اقتصادی؛ ترجمه کریم سنجابی؛ چ ۱، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۱۴. ساندل، مایکل؛ لیبرالیسم و منتقدان آن؛ ترجمه احمد تدین؛ چ ۱، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
۱۵. رضی، محمدبن حسین؛ نهج البلاغه؛ ترجمه جعفر شهیدی؛ چ ۴، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.
۱۶. طالب، مهدی؛ اصول و اندیشه‌های تعاونی؛ چ ۱، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
۱۷. طوسی، محمدعلی؛ «پیوندهای مردم‌سالاری و رشد اقتصادی»؛ نشریه تدبیر، ش ۳۷، ۱۳۷۲.
۱۸. فرزانه، عبدالحمید؛ «مردم‌سالاری دینی جبران‌کننده نارسایی‌های دموکراسی لیبرال»؛ مجموعه مقالات دومین همایش مردم‌سالاری دینی در رویکردی تطبیقی و کاربردی، تهران: انتشارات دفتر نشر معارف، ۱۳۸۸.
۱۹. کاپلستون، فردریک؛ تاریخ فلسفه (فلسوفان انگلیسی)؛ ترجمه امیرجلال‌الدین اعلم، چ ۳، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۵.
۲۰. کلینی‌رازی، ابی جعفر محمدبن یعقوب بن اسحاق؛ الاصول من الکافی؛ تعلیق علی‌اکبر غفاری؛ چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. لاسر، ژرژ؛ تعاونی‌ها در برابر کارتل‌ها و تراست‌ها؛ ترجمه وزارت تعاون و امور روستاها؛ چ ۱، ش ۶۰، تهران: وزارت تعاون و امور روستاها، ۱۳۵۰.
۲۲. لالاند، آندره؛ فرهنگ علمی انتقادی فلسفه؛ ترجمه غلام‌رضا وثیق؛ چ ۱، تهران: مؤسسه انتشاراتی فردوسی ایران، ۱۳۷۵.
۲۳. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ چ ۳، تهران: انتشارات اسلامیه، ۱۳۷۴.
۲۴. مدنی، علی‌اکبر؛ تعاونی راهی به جامعه سالم؛ چ ۱، تهران: انتشارات وزارت تعاون، ۱۳۷۲.
۲۵. مکارم‌شیرازی، ناصر؛ القواعد الفقهیة؛ قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۰.

۲۶. موسوی خمینی، سیدروح‌الله؛ *تحریر الوسیله*؛ چ ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۹.
۲۷. نجفی، محمدحسن؛ *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*؛ چ ۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۴ق.
۲۸. نمازی، حسین؛ *نظام‌های اقتصادی*؛ چ ۱، تهران: شرکت سهامی انتشارات، ۱۳۸۲.
۲۹. ولنکستر، لین؛ *خداوندان اندیشه سیاسی*؛ ترجمه علی رامین؛ چ ۱، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۸.
۳۰. وزارت تعاون و امور روستاها؛ *مجموعه گفتارهای تعاونی*؛ تهران: انتشارات وزارت تعاون و امور روستاها، ۱۳۵۲.
۳۱. یوسفی، احمدعلی؛ *نظام اقتصاد علوی*؛ چ ۱، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.